

نگاهی به «همرفیق» و حاشیه‌های شهاب حسینی

فتری که منتظر است از جاپرد!



نگاه نکردن به مهمان و صرفاً مخاطب را گروه موسیقی قرار دادن، درست ننشستن روی صندلی به عنوان ستاره مهم، خنده‌های بعضاً بی دلیل و... نکاتی است که اگر حسینی آن‌ها را رعایت کند که در هر چالشی یکه تاز است

ممکن است همسایه گرسنه باشد! همین شکل تفکر با عطر مهراں مدیری هم به هم می‌ریزد و چون مدیری ناراضی از شرایط کنشورش را اعلام کرده دلیل این می‌داند که حق تولید عطر به نام خودش را ندارد. همین تفکر عکس ماشین یک سلبریتی دیگر تلویزیون را هم دست به دست می‌کند و هزاران ترکیب و عبارت عصبانی را نثار فرد می‌کند و عصبانی می‌شود از داشته‌های فرد دیگری که در معرض تماشاست. در یک شب این مخاطب می‌تواند تمام هنرمندی‌ها و افتخارات آن فرد را یادش برود و او را از عرش به فرش برساند! طبیعتاً هر مخاطبی می‌تواند انتظار شفاف بودن و یکدست بودن هنرمند با مردمش را داشته باشد و او را مقابل خودش نبیند، این نوشته هم در تایید یاد کنش انجام شده نیست فقط دغدغه نگارنده این است که یادمان باشد خشم‌های تلنبار شده از موضوعات دیگر را به اشتباه سر سلبریتی‌ها بماند خالی نکنیم. مطالبات به حق را در محملی دیگر پیاده نکنیم و یادمان نرود فردی که به عنوان هنرمند عزتی برای ما در هر موضوعی کسب کرده، لایق این میزان بی‌احترامی و حمله‌های دسته‌جمعی نیست.

ما نیست احوال چطور؟»، سکوت‌هایی که معلوم است نقطه گذاری و نقشه‌ای پشت آن برای رسیدن به سوال بعد وجود ندارد. نگاه نکردن به مهمان و صرفاً مخاطب را گروه موسیقی قرار دادن، درست ننشستن روی صندلی به عنوان ستاره مهم، خنده‌های بعضاً بی دلیل و... نکاتی است که اگر حسینی آن‌ها را رعایت کند می‌تواند دوباره ثابت کند که در هر چالشی یکه تاز است.

اما به هر حال باید این تحلیل را هم در نظر داشت که جامعه‌ای که در خشم عمومی از نحوه چرخش سرمایه تصمیم‌گیرندگان قرار گرفته باشد و اعتراض هم برایش تبعات زیادی دارد، به ناچار خود را تحت فشاری می‌بیند که ناامیدی مطلق او را به واکنش‌های انفجاری می‌رساند، اما ترجیحش این است که آن واکنش را خرج شرایطی کند که برایش تبعاتی نداشته باشد و امنیتش را از دست ندهد و به همین خاطر بهترین گزینه حمله به چهره و سلبریتی است. فرد خود را در موقعیتی می‌بیند که حالش از هر داشته‌ای که خودش ندارد و دیگری دارد بد می‌شود، چون از تبعیض و جراثمی که می‌بیند و سیستم اقتصادی و نحوه تقسیم سرمایه بسیار عصبانی است و با دیدن هر موفقیت و هر محبوبیت و هر ثروتی اگر شرایط اعتراض بی‌دستر داشته باشد معترض می‌شود.

همین می‌شود که حق خود می‌داند اگر خودش واکنس نزده شهاب حسینی هم نزنند، یعنی موقعیتی را می‌بیند که حسینی در کشوری که تابعیت دارد بی‌تفاوت و با یک ژست اغراق شده و متناسب فیلم‌های هندی‌ها بگوید نمی‌زنم چون این واکنس را مردم ما نزنند، مثل وقتی که غذا نمی‌خورم چون

گروه تلویزیون | شهاب حسینی خیلی اهل سیاست نیست و در طول این سال‌ها نشان داده موضعش درباره موضوعات همانی است که دلش می‌گوید و فکر می‌کند درست است. سیاسی نبودن البته خیلی از اوقات هم به ضرر او تمام شده و حمله و قضاوت برای او پدید آورده و شمایل او به عنوان یک ستاره ماندگار را زیر سوال برده است. حاشیه‌های اخیر مربوط به واکنس و حضور او در برنامه «همرفیق» کمی بیشتر از قبل او را در معرض اظهار نظرهای مختلف قرار داده است.

البته نباید این نقد درست را نادیده گرفت که محتوای «همرفیق» غنی نیست و از او به عنوان فردی اهل مطالعه و باسواد انتظار یک برنامه‌ای می‌رفت که در عین سرگرمی محوری، آگاهی و دانش مخاطب را هم دست کم نگیرد و در سطح به سوالات نرسد و بدون خط سیر و سردبیری پیش نرود. هر چند آنطور که شنیده می‌شد سروش صحت در ابتدا همراه او به عنوان نویسنده بوده اما این همکاری متوقف شده و ادامه پیدا نکرده است و «همرفیق» دقیقاً دارد از همین موضع آسیب می‌بیند؛ یعنی محتوا!

پرسیدن مرتب و تکراری بعضی سوالات، گفتن جملات تکراری نظیر «اوضاع دست

